

پیش‌بینی تاب‌آوری نوجوانان بر اساس ادراک از شیوه والدینی مادر با نقش میانجی دینداری

Predicting Adolescent Resilience Based on Perceived Maternal Parenting Style with the Mediating Role of Religiosity

Hassan Taghiyan¹
Hussein Imanian (Corresponding Author)²

حسن تقییان^۱
حسین ایمانیان (نویسنده مسئول)^۲

Abstract

The present study aimed to investigate the mediating role of adolescent religiosity in the relationship between perceived maternal parenting styles and adolescent resilience. The research method was descriptive-correlational, and the population included all first-grade high school students in Qom. From this population, 145 students were selected from three schools using the cluster sampling. The research instruments included the Perceived Parental Rearing Styles Questionnaire, the Adolescent Religious Orientation Questionnaire, and the Resilience Scale (CYRM-28). Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and structural equation modeling. The findings showed a positive and significant relationship between perceived maternal parenting style, religiosity, and adolescent resilience. Moreover, religiosity can play a mediating role in the relationship between perceived maternal parenting style and adolescent resilience.

Keywords: perceived maternal parenting style, religiosity, resilience, adolescents

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی دینداری نوجوانان در رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده مادر و میزان تاب‌آوری نوجوانان انجام شد. روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهر قم بود. از جامعه یادشده با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۱۴۵ دانش‌آموز از سه مدرسه انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه ادراک از شیوه‌های تربیتی والدین، پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی نوجوانان و مقیاس تاب‌آوری (CYRM-28) بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد بین متغیرهای سبک فرزندپروری ادراک شده مادر، دینداری و تاب‌آوری نوجوان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین دینداری می‌تواند در رابطه بین شیوه فرزندپروری ادراک شده مادر و تاب‌آوری نوجوان، نقش میانجی داشته باشد. واژه‌های کلیدی: شیوه فرزندپروری ادراک شده مادر، دینداری، تاب‌آوری، نوجوانان

1. Department of Psychology, Islamic Humanities Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

2. Ph.D. Student in Quran and Psychology, Islamic Humanities Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran, Corresponding Author, Email: imanian137@gmail.com.

Date Received: 24/10/2025

Date Accepted: 11/11/2025

۱. گروه روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. دانش‌پژوه دکتری قرآن و روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

imanian137@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

مقدمه

دوران نوجوانی یکی از مراحل کلیدی در زندگی انسان به شمار می‌رود که با تغییرات عمیق روان‌شناختی، جسمی و اجتماعی همراه است. این دوره برای فرد، فرصتی استثنائی در رشد و شکوفایی استعدادها به شمار می‌رود. نوجوانی زمانی است که فرد در جستجوی هویت و ارزش‌های شخصی خود است و از این رو دقت در تربیت و هدایت او می‌تواند تأثیر عمیقی بر آینده‌اش داشته باشد. در روایات اسلامی نیز اهمیت این دوره به روشنی بیان شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). در واقع این حدیث گویای این است که قلب نوجوانان مانند زمینی خالی و آماده برای کاشت و برداشت است؛ به این معنا که هر چه در این دوره به آنها آموزش داده شود و هر افکاری که در ذهن و دل آنان شکل گیرد در آینده زندگی‌شان تأثیرگذار خواهد بود؛ با این حال مواجهه با چالش‌های فراوان در این دوران از جمله مسائل هویت، فشارهای تحصیلی، انتظارات اجتماعی می‌تواند به مشکلات عاطفی و روان‌شناختی بینجامد. در این مرحله حساس زندگی، تاب‌آوری^۱ به عنوان یک عامل کلیدی در توانایی نوجوانان برای مقابله با این چالش‌ها و حفظ سلامت روان مطرح می‌شود. تاب‌آوری موجب کمک به فرد در هنگام رویارویی با موقعیت‌های سخت و تنش‌زای زندگی خواهد شد (زاهد بابلیان و همکاران، ۱۳۹۱).

یکی از موضوعات مطرح در روان‌شناسی مثبت‌نگر، تاب‌آوری است. روان‌شناسی مثبت‌نگر به دلیل تمرکز بر استعدادها و توانایی‌های انسان به جای پرداختن به اختلال‌ها و ناهنجاری‌ها، بسیار مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. اصطلاحات گوناگونی در پیشینه پژوهش‌های تاب‌آوری وجود دارند که از نظر کاربردی با این سازه همسان هستند؛ اصطلاحاتی چون آسیب‌ناپذیری، تاب‌آوری استرس، سرسختی، انطباق و سازگاری که همه آنها زیرمجموعه روان‌شناسی مثبت می‌باشند که به وسیله سلیگمن (۱۹۴۲) مطرح شد. وی به جای مطالعه نقاط ضعف و آسیب‌ها به بررسی نقاط قوت افراد می‌پردازد که این نقاط قوت مانند سپری در مقابل بیماری‌ها و ضعف‌ها عمل می‌کنند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۹).

تاب‌آوری مانند برخی مفاهیم دیگر روان‌شناسی تعاریف گوناگونی دارد. از نظر راتر (۱۹۹۰) تاب‌آوری فرایند پویایی می‌باشد که شامل تعامل بین فرایندهای خطرآفرین و حفاظتی می‌شود

و اثر آن تعدیل کردن رویدادها و شرایط ناگوار است. گارمزی (۱۹۹۳) تاب‌آوری را کوشش‌هایی برای حفظ یا بازیابی تعادل شخصی در شرایط تهدیدآمیز می‌داند. تاب‌آوری به معنای توانایی سازگاری مثبت با مصیبت و آسیب، یک موضوع روان‌شناختی می‌باشد که در ارتباط با پاسخ فرد به تنش آسیب‌زا و موقعیت‌های مشکل‌آفرین زندگی بررسی شده است. تاب‌آوری توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی و روانی فرد در شرایط خطرناک می‌باشد (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). تاب‌آوری توانایی افراد یا گروه‌ها برای پیشبرد یا حل مشکلات در مواقع دشوار است؛ به عبارت دیگر تاب‌آوری توانایی افراد برای تداوم بهزیستی روانی و فیزیکی در صورت وجود مشکلات و توانایی سازگاری افزایش یافته در حین حوادث استرس‌زاست (رضایی و همکاران، ۱۳۹۹). افراد تاب‌آور در برابر آسیب‌ها و استرس‌ها مقاومت بیشتری دارند و در جستجوی دستیابی به معنای مثبتی برای آنها هستند؛ افزون بر آن در مقابله با استرس‌ها از راهبردهای سازگار استفاده می‌کنند و به طور انعطاف‌پذیری خود را با آنها وفق می‌دهند (دنوان و مکاسکیل، ۲۰۱۶).

افرادی که دارای ویژگی تاب‌آوری هستند مدتی پس از دریافت ضربه با شرایط سازگار می‌شوند و زندگی روزمره را از سر می‌گیرند. آنها انعطاف‌پذیر، تیز و خلاق هستند، خیلی سریع راهکارهای رویارویی و غلبه بر مشکلات را پیدا می‌کنند و از تجارب زندگی خود درس می‌گیرند (جزایری و دهقانی، ۱۳۸۷). هانسون و همکاران (۲۰۰۸) شادکامی، خوش‌بینی، ایمان، آرامش روانی، خلاقیت، حس همبستگی، خودمحوری، مشارکت، خودارزشمندی و شوخ‌طبعی را به عنوان ویژگی افراد تاب‌آور معرفی می‌کنند؛ همچنین آنان افراد تاب‌آور را افرادی با منبع کنترل درونی و خودکارآمد می‌دانند و معتقدند آنان دارای عزت نفس بالا، انعطاف‌پذیری شناختی، دلبستگی اجتماعی، خودپنداره مثبت، خودگردانی هیجانی، معنویت و امید هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند افراد با تاب‌آوری پایین آسیب‌پذیرند و فاقد جسارت، انگیزه، تشویق و راهبردهای لازم برای تغییر شرایط فشارزا هستند. خود را قربانی حوادث می‌دانند، مدام از شرایط موجود شکایت می‌کنند، خود را کم‌توان جلوه می‌دهند و از تلاش برای شرایط تنش‌زا اجتناب می‌کنند. نحوه برخورد آنان خشن و انعطاف‌ناپذیر است و نسبت به آینده احساس نگرانی می‌کنند؛ بنابراین تاب‌آوری به نوجوانان کمک می‌کند تا در مواجهه با مشکلات، انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند و با حفظ امید و انگیزه به جلو حرکت کنند

(رضایی و همکاران، ۱۳۹۹).

اگرچه دیدگاه‌های سنتی، تاب‌آوری را به عنوان یک خصیصه شخصیتی تغییرناپذیر ترسیم کرده‌اند، اما بیشتر شواهد و دیدگاه‌های موجود، گویای این مطلب هستند که تاب‌آوری اکتسابی است و می‌توان آن را در افراد تقویت کرد (علیزاده، ۱۳۹۲). عوامل و متغیرهای گوناگونی بر تاب‌آوری اثرگذار است. برخی از اعضای انجمن روان‌شناسی آمریکا معتقدند که ترکیبی از عوامل برای شکل‌گیری تاب‌آوری لازم است. آنان اظهار داشته‌اند که مطالعات بسیاری نشان می‌دهند عامل اصلی در تاب‌آوری، داشتن ارتباطات دلسوزانه و حمایت‌گرانه درون و بیرون خانواده است؛ ارتباطاتی که عشق و اعتماد ایجاد می‌کنند، الگو می‌دهند و موجب دلگرمی و اطمینان فرد می‌شوند. چنین ارتباطاتی به حفظ و تقویت تاب‌آوری فرد کمک می‌کنند. وی سپس چهار عامل دیگر را به عنوان عوامل تقویت تاب‌آوری بیان کرده است: ۱. ظرفیت برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و گام نهادن به سوی تحقق آن؛ ۲. دید مثبت به خود و اعتماد به توانایی‌های خود؛ ۳. مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله؛ ۴. ظرفیت مدیریت احساسات و تکانه‌های قوی (سقای بی‌ریا و همکاران، ۱۳۹۶).

بنزیس و مک‌کیزیک (۲۰۰۹) نیز با مرور ادبیات پژوهش ۲۴ عامل محافظ را در سه سطح فرد، خانواده و جامعه مطرح کردند. الف) سطح فرد: مکان کنترل / خودکارآمدی، مهارت‌های مقابله‌ای و سازگاری، نظام‌های اعتقادی / معنویت، ارتقای تحصیلات، مهارت‌ها و آموزش‌ها و سلامت جسمی و روانی؛ ب) سطح خانواده: ساختار و انسجام خانواده، تعامل حمایت‌گرانه والد-کودک، محیط برانگیزاننده، درآمد ثابت و مسکن مناسب؛ ج) جامعه: حضور در جامعه، پذیرش همسالان، مربیان حمایت‌گر، محله‌های ایمن، دسترسی به مدرسه و مراکز نگهداری کودک و دسترسی به مراکز بهداشتی.

همچنین موزیری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود عوامل دیگری را برای تقویت تاب‌آوری بیان کرده‌اند. یکی از آن عوامل نظام باورها است که شامل مؤلفه‌هایی مانند خودباوری، باورهای مذهبی و مثبت‌اندیشی است. نظام باورها تحمل مشکلات را آسان‌تر می‌کند؛ زیرا افرادی که اعتقاد دارند می‌توانند از پس مشکلات برآیند، حس کنترل درونی دارند، خود را به نیروهای ماورای طبیعی وصل می‌کنند و یا اینکه به مسائل معانی مذهبی می‌بخشند و همچنین دیدگاهی مثبت به چالش‌ها دارند، معمولاً این مشکلات را گذرا و یا فرصتی برای رشد و پختگی می‌دانند. این افراد از سبک اسناد خوش‌بینانه و شوخ‌طبعی برخوردارند

و نسبت به دیگران در برابر سختی‌ها تاب‌آوری بیشتری دارند. یافته دیگر این پژوهش نیز تأثیر ساختار خانواده بر تاب‌آوری است. ساختار خانواده که دربرگیرنده مؤلفه‌هایی مانند صمیمیت، همکاری و توافق خانواده است به‌طور مستقیم بر تاب‌آوری اثر می‌گذارد. در خانواده‌هایی که زوج رابطه پایدار و صمیمی دارند و الگوی تعاملی گرمی بین اعضا وجود دارد، افراد به پشتوانه حمایت متقابلی که دریافت می‌کنند و اولویت بیشتری که برای خانواده قائل می‌شوند تاب‌آوری بیشتری در برابر مشکلات نشان می‌دهند.

یکی دیگر از متغیرهایی که بر میزان تاب‌آوری انسان‌ها اثرگذار است، آشنایی و پایبندی به آموزه‌های دینی است. براساس یافته‌های اوپنشو (۲۰۱۱) و گریف و دوتویت (۲۰۰۹) باورهای مذهبی و معنویت نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری دارند. نتایج تحقیقات دستیاری و بنافی (۱۳۹۸) و جوانمرد (۱۳۹۲) نیز نشان می‌دهند هر چه دینداری دانشجویان بیشتر باشد میزان تاب‌آوری آنها بالاتر است؛ همچنین پژوهش حاضر یافته‌های حقی‌گرمی و همکاران (۱۳۹۵) را تأیید می‌کند که با بالا رفتن اعتقادات مذهبی، تاب‌آوری بیماران بیشتر می‌شود. دینداری یکی از دغدغه‌های مهم خانواده‌های مذهبی است، به‌ویژه در عصر حاضر که مردم جهان بیش‌ازپیش به معنویت و مسائل معنوی گرایش دارند و روان‌شناسان و روان‌پزشکان نیز به‌طور روزافزون درمی‌یابند که استفاده از روش‌های سنتی و ساده برای درمان اختلالات روانی کافی نیست (پارگامنت، ۱۴۰۲)؛ بنابراین در همین راستا یکی از مواردی که باید مورد توجه قرار گیرد رشد معنوی نوجوان است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ أَحَبَّ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ شَابٌّ حَدَّثَ السِّنِّ فِي صُورَةٍ حَسَنَةٍ جَعَلَ شَبَابَهُ وَجَمَالَهُ لِلَّهِ وَطَاعَتِهِ، ذَلِكَ الَّذِي يُبَاهِي بِهِ الرَّحْمَنُ مَلَائِكَتَهُ، يَقُولُ: هَذَا عَبْدِي حَقًّا؛ دوست داشتنی‌ترین مخلوقات پیش خداوند متعال نوجوانی است که جوانی و جمال خود را برای خدا و در طاعت خدا قرار دهد. خداوند به چنین نوجوانی بر فرشتگان می‌بالد و می‌فرماید: حقا که این نوجوان بنده من است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۷، ج ۵: ۹).

از سوی دیگر تسریع در تربیت دینی در دوره نوجوانی مورد تأکید ائمه اطهار علیهم‌السلام است. امام صادق علیه‌السلام توصیه می‌کند: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ، قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجَةُ؛ نوجوانان را دریابید و به آنان حدیث و دین بیاموزید، پیش از آنکه مرجئه (گروهی منحرف) بر شما پیش‌دستی کنند و جوانان را برابند (محاسن برقی: ۶۰۵).

براساس پژوهش‌ها هر چقدر دینداری بیشتر باشد تاب‌آوری نیز افزایش می‌یابد (دستیاری و

بنافی، ۱۳۹۸؛ زیرا باورهای دینی به این امر می‌پردازد که داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به کمک به یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و حمایت روحانی همگی از جمله منابعی هستند که افراد مذهبی با برخورداری از آنها می‌توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی آسیب کمتری را متحمل شوند و نوع زندگی را بهتر کنند (جنگی‌ا قدم و سربازی، ۱۴۰۱).

مسئله دیگر نقش مهم و محوری خانواده در تربیت دینی نوجوانان است. نقش والدین در تربیت دینی نوجوانان و تأثیر آن بر تاب‌آوری آنان یکی از موضوعات مهم در روان‌شناسی به شمار می‌رود. در دوران نوجوانی، والدین به عنوان نخستین معلمان و الگوهای رفتاری، نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت دینی و اعتقادی فرزندان خود دارند. دوره نوجوانی زمانی است که فرد به دنبال پیدا کردن خودش است و نیاز به والدینی حمایت‌گر و همراه دارد تا بتواند این مسیر پرالتهاب را راحت‌تر بگذراند (محمدی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۰). کیفیت رابطه والدین و فرزندان ارتباط نزدیکی با رفتارهای نوجوان و سازگاری‌های روانی آنها دارد. یکی از مهم‌ترین محرک‌ها در مراحل تحول خانواده، ارتباط با نوجوان است (کلاین، ۲۰۰۰)؛ بنابراین در این دوره، خانواده نقش مهمی خواهد داشت. پژوهشگران، خانواده را اساسی‌ترین بستر شکل‌گیری باورهای مذهبی و معنوی می‌دانند و بر این نکته تأکید دارند که غالب این باورها در دوران کودکی از کانون خانواده ناشی می‌شود. به عقیده اریکسون (۱۹۷۵) والدین با تأثیرگذاری خود در نخستین مرحله رشد «من»، یعنی مرحله «ایجاد اعتماد در برابر بی‌اعتمادی» تأثیر مستقیم دارند. وی معتقد است که «اعتماد» در کودکی پایه و اساس ایمان در بزرگسالی است. ایمان به عنوان یک نیاز حیاتی، انسان را به سوی پذیرش دین سوق می‌دهد، پس هرگونه ضعف در سبک رفتاری و تربیتی والدین نسبت به فرزندانشان سبب ایجاد حس بی‌اعتمادی می‌شود و از نظر اریکسون ایجاد اعتماد یا بی‌اعتمادی در کودکان تأثیر مستقیم بر شیوه دینداری و سبک جهت‌گیری مذهبی آنان در آینده دارد. نتایج پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند اهداف و سبک‌های والدینی با تحول دینی فرزندان ارتباط دارد و والدین نقش بسزایی در نوع تربیت دینی و مذهبی به فرزندان ایفا می‌کنند (پالکویتز و پالم، ۱۹۹۸). دادلی و ویبسی (۲۰۰۰)، مهم‌ترین عامل برای انتقال آموزه‌ها و ارزش‌های دینی به فرزندان را حضور گرم و روابط حمایتی و مراقبتی والدین می‌دانند. زابالا (۱۹۹۴) در بررسی رابطه سبک‌های والدینی و خودمختاری نوجوانان در فعالیت‌های علمی، مذهبی

و تلویزیونی به این نتیجه دست یافت که شیوه‌های فرزندپروری کنترل‌کننده و اجتماع‌گرا با جهت‌گیری مذهبی درونی به طور معنادار و مثبتی ارتباط دارد. هرچند والدین در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کنند، ولی در این میان مسئولیت مادر در زمینه تربیت فرزند بیشتر و سنگین‌تر است (هوشیاری و الهی، ۱۴۰۰). علامه طباطبایی معتقد است به دلیل عاطفی بودن زن، امر تربیت فرزند به او واگذار شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴). از دیدگاه روان‌شناسی نیز نقش مادر برجسته‌تر از پدر است. انسان‌گراها بر این باورند که شخصیت سالم در زمانی شکل می‌گیرد که مادر بدون توجه به چگونگی رفتار کودک به او عشق و محبت نشان دهد (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۶۵؛ به نقل از سراقی و همکاران، ۱۳۹۴). راجرز اهمیت رابطه مادر و کودک را عاملی می‌داند که بر احساس کودک از بالندگی خویش تأثیر می‌گذارد. اگر مادر توجه مثبت خود را نثار کودک کند، کودک با شخصیتی سالم رشد می‌کند، وگرنه تمایل نوزاد به سوی شکوفایی و رشد متوقف خواهد شد (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲)؛ همچنین پایه‌های اصلی ارتباط‌های اجتماعی سودمند زمانی گذاشته می‌شود که ارتباط مادر و کودک به صورت دوست داشتن، گرم و حفاظتی باشد، ولی اگر رابطه مادر و کودک مبتنی بر عدم پذیرش یکدیگر باشد، پایه‌های حسادت، دشمنی و پرخاشگری بنا خواهد شد (راس، ۱۳۷۳؛ به نقل از سراقی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ از این‌رو در تربیت دینی نیز نقش مادر حیاتی است.

مروری بر تحقیقات اخیر گویای آن است که مؤلفه تاب‌آوری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادی و تأثیرگذار در بهبود سلامت روان و سازگاری فردی مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. تاب‌آوری تحت تأثیر عوامل فراوانی از جمله ویژگی‌های فردی، محیط خانوادگی و تأثیرات اجتماعی قرار دارد؛ همچنین پژوهش‌های محدودی انجام شده است که تأثیر دینداری و شیوه‌های تربیتی والدین را به طور جداگانه بر تاب‌آوری بررسی کرده‌اند، اما پژوهشی یافت نشد که به طور همزمان به بررسی تأثیر دینداری، شیوه‌های تربیتی والدین و به ویژه سبک تربیتی مادر بر تاب‌آوری پرداخته باشد. این پژوهش به دنبال تأثیر ادراک شیوه فرزندان از تربیت والدینی مادر و دینداری و چگونگی رابطه این دو بر تاب‌آوری نوجوانان است؛ بنابراین این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤالات است: چگونه ادراک از شیوه‌های والدینی مادر بر دینداری نوجوانان تأثیر می‌گذارد؟ و این ارتباط چگونه می‌تواند بر تاب‌آوری آنها تأثیرگذار باشد؟

روش پژوهش

با توجه به آنکه هدف این تحقیق بررسی رابطه بین متغیرهای سبک تربیتی مادر، دینداری و تاب‌آوری در نوجوانان و بررسی نقش میانجی تاب‌آوری در رابطه بین سبک والدینی ادراک شده مادر و دینداری نوجوانان است، روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری آن شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهر قم بود. از جامعه یادشده با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۱۴۵ دانش‌آموز از سه مدرسه انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه ادراک از شیوه‌های تربیتی والدین (گرونیک و همکاران، ۱۹۹۷)، پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی (مهدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷) و مقیاس تاب‌آوری (کازرونی و همکاران، ۱۳۹۲) بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری تحلیل شد.

ابزار سنجش

۱. مقیاس تاب‌آوری (CYRM-۲۸)

مقیاس تاب‌آوری کودک و نوجوان ۲۸: انگار و لیبنبرگ (۲۰۰۹) مقیاس تاب‌آوری کودک و نوجوان ۲۸ را به عنوان یک ابزار تفکیک برای کشف منابع (فردی، ارتباطی، بافتی) تاب‌آوری طراحی کردند که برای نوجوانان سنین ۱۲ تا ۲۳ سال قابل اجراست. این مقیاس شامل ۲۸ ماده بود که پاسخ‌دهندگان میزان توافقتشان را با هر کدام از ماده‌ها در مقیاس لیکرت از دامنه ۱ تا ۵ (اصلاً = ۱ تا خیلی زیاد = ۵) نشان می‌دهد. ساختار عاملی این مقیاس در پژوهش کازرونی و همکاران (۱۳۹۲) دوباره بررسی و بومی‌سازی شد. در این مطالعه توصیفی، ۷۰۳ دانش‌آموز در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای در شهر یاسوج انتخاب و با مقیاس تاب‌آوری کودک و نوجوان-۲۸ (CYRM-۲۸) (انگار و لیبرگ) و پرسشنامه فهرست عوامل حمایت‌کننده فردی (IPFI) اسپرینگر و فیلیپس آزمون شدند. روایی همگرا با محاسبه ضریب همبستگی نمره عوامل با نمره کل مقیاس CYRM-۲۸ و روایی واگرا از راه اجرای همزمان پرسشنامه IPFI محاسبه شد. ضرایب پایایی از نوع همسانی درونی و روش دونیمه‌سازی گزارش شد. روایی همگرای این مقیاس گویای همبستگی رضایت‌بخشی بین ابعاد مقیاس تاب‌آوری با نمره کل بود. برای تعیین روایی واگرای مقیاس، همبستگی ابعاد مقیاس تاب‌آوری با پرسشنامه عوامل حمایت‌کننده فردی (IPFI) به کار رفت که بیانگر همبستگی مطلوبی

بود ($p > 0.01$)، ضرایب آلفای کرونباخ و دونیمه‌سازی نیز گویای پایایی مطلوب مقیاس بود. یافته‌های پژوهش حاضر، روایی و پایایی نسخه فارسی مقیاس تاب‌آوری کودک و نوجوان CYRM-28 در نوجوانان فارسی‌زبان حمایت می‌کند. از این مقیاس می‌توان به عنوان ابزاری معتبر در تحقیقات مربوط به نوجوانان فارسی‌زبان استفاده کرد (کازرونی‌زند و همکاران، ۱۳۹۲).

۲. پرسشنامه ادراک از شیوه‌های تربیتی والدین (pops)

ادراک نوجوانان از شیوه‌های تربیتی والدین با مقیاس ادراک از والدین گروولنیک و همکاران (۱۹۹۷) سنجیده شد. این مقیاس دارای دو نسخه کودکان و دانش‌جویان کالج می‌باشد. این مقیاس ۴۲ سؤال دارد که ۲۱ سؤال آن مربوط به مادر و ۲۱ سؤال مربوط به پدر است. سؤال‌ها در دو نیمه برای پدر و مادر تکرار شده‌اند. آزمودنی‌ها براساس یک لیکرت هفت درجه‌ای میزان موافقت و مخالفت خود را با هر سؤال گزارش می‌کنند. در این پیوستار عدد ۷ موافقت کامل و عدد ۱ مخالفت کامل و عدد ۴ حد وسط را نشان می‌دهد. با توجه به متفاوت بودن ساختار و سبک تربیتی خانواده‌ها در ایران و بافت مورد مطالعه گروولنیک و همکاران (۱۹۹۷)، ساختار عاملی این مقیاس در پژوهش باباخانی و همکاران (۱۳۹۶) دوباره بررسی و بومی‌سازی شد. در این پژوهش پرسشنامه ادراک از شیوه‌های تربیتی والدین (POPS) در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران هنجاریابی شد. نمونه مورد مطالعه شامل ۸۰۸ نفر (۴۰۰ پسر و ۴۰۸ دختر) است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. به منظور تحلیل عاملی از روش مؤلفه‌های اصلی و برای چرخش عامل‌ها از چرخش متعامد واریماکس استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و شاخص‌های برازش مناسب در تحلیل عاملی تأییدی وجود شش عامل ادراک درگیری، خودمختاری و گرمی را در پدر و مادر به صورت جداگانه تأیید کردند که مجموعاً ۶۴/۹۳ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند. ضریب اعتبار همسانی درونی برای پرسشنامه ۰/۹۴ به دست آمده است (باباخانی و همکاران، ۱۳۹۶).

۳. پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی

پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی در دانش‌آموزان دبیرستانی توسط مهدی‌زاده، تقیان و آذربایجانی (۱۳۹۹) اعتباریابی و رواسازی شد. سؤالات این پرسشنامه برگرفته از پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آذربایجانی (۱۳۸۲) بود. پس از بررسی روایی محتوایی، تناسب محتوای سؤال‌های پرسشنامه یادشده با ویژگی‌های دوران نوجوانی بررسی شد. پرسشنامه نهایی با ۵۳

سؤال با طیف لیکرت پنج درجه‌ای تأیید شد. نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی، وجود چهار عامل عقاید، مناسک، پیامدها و اخلاق را برای این پرسشنامه نشان داد. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ نشان داد مقدار پایایی برای مؤلفه‌های چهارگانه یادشده و کل پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۵، ۰/۷۶، ۰/۶۷ و ۰/۹۱ است. روایی همزمان این پرسشنامه با آزمون سبک زندگی اسلامی برای نوجوانان، ۰/۷ به دست آمد.

یافته‌ها

آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است. میزان کجی و کشیدگی متغیرها بین ۲- تا ۲+ و نشان دهنده تقارن توزیع متغیرهای تحقیق است.

جدول ۱: آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش

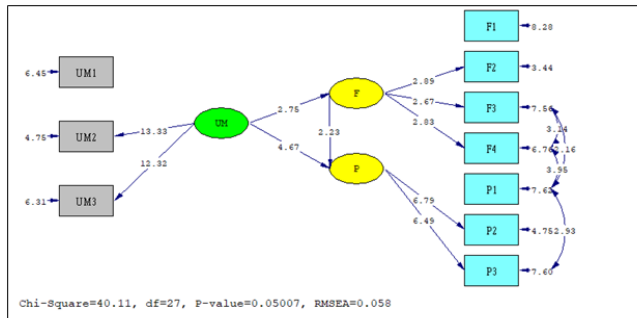
متغیر	مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
فرزندپروری ادراک شده مادر	درگیری مادر	۲۱/۷	۴/۷۲	-۰/۶۹۲	۰/۳۱۰
	حمایت از خودمختاری مادر	۳۳/۹	۶/۴۱	-۰/۹۰۸	۰/۵۴۴
	گرمی مادر	۲۸/۸	۵/۰۱	-۱/۰۲۴	۰/۴۵۵
	نمره کل فرزندپروری ادراک شده مادر	۸۴/۳	۱۴/۷۴	-۰/۹۸۵	۰/۶۶۹
دینداری	اخلاق	۲۲/۵	۳/۹۹	-۰/۳۸۰	۰/۷۹۵
	پیامد	۳۴/۹	۴/۲۹	-۰/۶۹۳	۰/۴۰۷
	عقاید	۶۳/۶	۶/۲۳	-۱/۰۳۳	۰/۶۱۹
	مناسک	۳۱/۷	۵/۲۴	-۰/۵۶۰	۰/۰۶۵
	نمره کل دینداری	۱۵۲/۸	۱۴/۲۸	-۰/۷۴۸	۰/۲۸۷
تاب‌آوری	فردی	۳۷/۷	۶/۴۲	-۰/۴۴۱	-۰/۵۰۵
	ارتباطی	۲۷/۵	۴/۸۳	-۰/۹۳۱	۰/۹۹۵
	بافتی	۴۰/۲	۵/۸۹	۰/۰۷۱	-۰/۱۳۵
	نمره کل تاب‌آوری	۱۰۵/۳	۱۳/۹۵	-۰/۱۹۳	-۰/۳۹۳

ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است؛ همان‌گونه که مشاهده می‌شود بین هر سه متغیر اصلی تحقیق (فرزندپروری ادراک شده مادر، دینداری و تاب‌آوری) همبستگی مثبت معناداری وجود دارد، مؤلفه‌های متغیرهای یادشده نیز دارای همبستگی مثبت معنادار هستند.

جدول ۲: همبستگی بین متغیرهای پژوهش

۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	درگیری مادر
										۱	۰/۷۷۰**	حمایت از خودمختاری مادر
									۱	۰/۷۷۱**	۰/۶۹۶**	گرمی مادر
								۱	۰/۸۹۷**	۰/۹۴۳**	۰/۸۹۱**	فرزندپروری ادراک شده مادر
						۱	۰/۳۲۵**	۰/۳۰۴**	۰/۳۱۸**	۰/۲۶۰**	۰/۳۸۸**	اخلاق
						۱	۰/۱۸۲*	۰/۴۷۴**	۰/۴۸۸**	۰/۴۲۳**	۰/۳۸۸**	پیامد
					۱	۰/۴۳۷**	۰/۱۸۱*	۰/۲۲۰**	۰/۲۵۰**	۰/۱۹۵*	۰/۱۵۹	عقاید
				۱	۰/۵۴۰**	۰/۵۳۷**	۰/۱۳۰	۰/۲۷۶**	۰/۲۶۸**	۰/۲۸۰**	۰/۱۹۸*	مناسک
			۱	۰/۸۰۰**	۰/۸۱۶**	۰/۷۳۹**	۰/۴۶۱**	۰/۴۳۰**	۰/۴۳۹**	۰/۴۰۳**	۰/۳۳۱**	دینداری
		۱	۰/۵۷۱**	۰/۵۶۱**	۰/۳۷۷**	۰/۴۸۸**	۰/۱۹۴*	۰/۳۸۰**	۰/۴۲۲**	۰/۳۶۷**	۰/۲۴۲**	فردی
	۱	۰/۴۶۹**	۰/۴۱۸**	۰/۳۸۱**	۰/۲۱۳*	۰/۴۴۲**	۰/۱۸۹*	۰/۶۶۷**	۰/۵۷۸**	۰/۶۳۹**	۰/۶۰۳**	ارتباطی
۱	۰/۴۷۸**	۰/۵۱۷**	۰/۳۷۵**	۰/۲۶۷**	۰/۲۲۸**	۰/۳۹۴**	۰/۲۱۲*	۰/۴۱۴**	۰/۳۵۳**	۰/۴۰۶**	۰/۳۶۷**	بافتی
۰/۸۲۶**	۰/۷۶۴**	۰/۸۴۱**	۰/۵۶۶**	۰/۵۰۳**	۰/۳۴۳**	۰/۵۴۴**	۰/۲۴۴**	۰/۵۸۱**	۰/۵۴۳**	۰/۵۶۱**	۰/۴۷۵**	تاب‌آوری

به منظور بررسی نقش میانجی دینداری نوجوانان در رابطه بین فرزندپروری ادراک شده مادر و تاب‌آوری فرزند از مدل معادلات ساختاری استفاده شده که در نمودار ۱ قابل مشاهده است.



نمودار ۱: معادلات تاب‌آوری فرزند بر اساس سبک فرزندپروری ادراک شده مادر با نقش واسطه‌ای دینداری فرزند^۱

شاخص‌های برازش مدل (CFI = ۰/۹۹، IFI = ۰/۹۹، NNFI = ۰/۹۸، NFI = ۰/۹۶) و RMSEA (۱/۴۹) نشان‌دهنده مناسب بودن مدل معادلات ساختاری برای پیش‌بینی

۱. UM1: درگیری مادر؛ UM2: حمایت از خودمختاری مادر؛ UM3: گرمی مادر؛ UM: شیوه فرزندپروری ادراک شده مادر؛ F1: اخلاق؛ F2: پیامد؛ F3: عقاید؛ F4: مناسک؛ F: دینداری؛ P1: فردی؛ P2: ارتباطی؛ P3: بافتی؛ P: تاب‌آوری.

تاب‌آوری فرزند براساس سبک فرزندپروری ادراک‌شده مادر با نقش واسطه‌ای دینداری فرزند است. جدول ۲ ضرایب مسیر و اثرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲: اثرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش

R ²	اثر کل		اثر غیرمستقیم		اثر مستقیم		متغیرهای برون‌زا	متغیر درون‌زا
	t	ضریب استاندارد	t	ضریب استاندارد	t	ضریب استاندارد		
۰/۸۰	۲/۲۳	۰/۴۰	-	-	۲/۲۳	۰/۴۰	دینداری	تاب‌آوری
	۶/۰۵	۰/۸۴	۲/۸۳	۰/۲۴	۴/۶۷	۰/۶۰	فرزندپروری ادراک‌شده مادر	
۰/۳۷	۲/۷۵	۰/۶۱	-	-	۲/۷۵	۰/۶۱	فرزندپروری ادراک‌شده مادر	دینداری

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود فرزندپروری ادراک‌شده بر دینداری تنها اثر مستقیم دارد که آثار یادشده نیز مثبت و معنادار است. فرزندپروری ادراک‌شده ۳۷ درصد واریانس دینداری را تبیین می‌کند.

دینداری بر تاب‌آوری تنها اثر مستقیم دارد که این اثر مثبت و معنادار می‌باشد. هر دو اثر مستقیم و غیرمستقیم فرزندپروری ادراک‌شده مادر بر تاب‌آوری نیز مثبت و معنادار است؛ به عبارت دیگر دینداری به صورت جزئی در رابطه بین فرزندپروری ادراک‌شده مادر و تاب‌آوری نقش میانجی دارد؛ همچنین ۸۰ درصد واریانس تاب‌آوری از سوی اثرهای مستقیم و غیرمستقیم دینداری و فرزندپروری ادراک‌شده مادر تبیین می‌شود.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دینداری تأثیر معناداری بر تاب‌آوری نوجوانان دارد؛ همچنین سبک تربیتی مادر بر میزان دینداری تأثیرگذار است. به عبارت دیگر دینداری به عنوان یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر تاب‌آوری نوجوانان شناخته می‌شود که شکل‌گیری آن تحت تأثیر سبک تربیتی درست مادر قرار دارد؛ بنابراین اصلاح سبک‌های تربیتی مادر می‌تواند به افزایش دینداری و در نتیجه ارتقای تاب‌آوری نوجوانان بینجامد. این یافته‌ها اهمیت نقش خانواده، به‌ویژه مادر را در فرایند شکل‌گیری ویژگی‌های روانی و مذهبی نوجوانان و اثرگذاری آن بر قابلیت مقابله با مشکلات تأکید می‌کند. به عبارت دیگر نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دینداری نوجوانان به عنوان یک عامل میانجی، نقشی اساسی در رابطه میان شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده مادر و میزان تاب‌آوری آنها دارد. این یافته با نتایج تحقیقاتی

از جمله پژوهش‌های گاربوفسکی (۲۰۱۰) ارتباط دارد. وی در تحقیق خود نشان داد بین خوش‌بینی و تاب‌آوری با جهت‌گیری مذهبی رابطه معنادار وجود دارد. تحقیقات گارمزی (۱۹۹۱)، ماستن (۲۰۰۱) و کارادامس (۲۰۰۶) نشان می‌دهند انگاره‌های دینی نقش مؤثری در تسکین دردهای روحی، کاهش اضطراب و تحمل فشارهای روانی دارند و افراد مذهبی از ناراحتی روانی کمتری رنج می‌برند؛ همچنین این نتایج با پژوهش‌های دستیاری و بنافی (۱۳۹۸) و جوانمرد (۱۳۹۲) همخوانی دارد که بیان می‌کنند افزایش دینداری با بهبود تاب‌آوری در دانشجویان و دیگر گروه‌ها مرتبط است. پژوهش حقی‌گرمی و همکاران (۱۳۹۵) نیز بیانگر این است که اعتقادات مذهبی می‌تواند به عنوان منبعی برای افزایش تاب‌آوری در بیماران عمل‌کند. نتیجه پژوهش دهقانی و اندیشمند (۱۳۹۶) نیز نشان داد بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی با تاب‌آوری و همچنین بین سلامت مذهبی با تاب‌آوری در دانش‌آموزان دختر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت در شرایط مشکل‌زا، بهره‌گیری از حمایت‌های اجتماعی و معنوی، احساس تعلق به منبعی والا، همگی از روش‌هایی هستند که افراد مذهبی با دارا بودن آنها می‌توانند در مواجهه با حوادث آسیب‌رسان فشار کمتری را متحمل شوند (یانگ و مائو، ۲۰۰۷؛ به نقل از ذوقی‌پایدار و همکاران، ۱۳۹۳). از سوی دیگر داشتن هدف و غایت سعادت‌مندان و خوش‌بینانه‌ای که فرد دیندار از زندگی‌اش دارد، مایه امید و نشاط وی در زندگی می‌شود و در صورت مواجهه با کاستی‌ها و مشکلات تحمل آنها را ممکن می‌کند؛ زیرا باورهای مذهبی به عنوان یک ابزار کارآمد برای ارتقای تاب‌آوری عمل کرده، و افراد دیندار در مواجهه با چالش‌ها و حوادث آسیب‌زا، احساس نزدیکی و ارتباط با یک نیروی متعالی را تجربه می‌کنند که این امر می‌تواند به ایجاد حس امید و تقویت روحیه در آنان بینجامد. انسان معنوی به واسطه زندگی معنوی احساس حمایت اجتماعی دارد. سفارش فراوان به نماز جماعت و حضور در مسجد، نماز جمعه، انجام دادن مراسم اعتکاف در مسجد جامع شهر و مراسم باشکوه حج و... نشانه چنین هدفی در دین است. هرگونه فردگرایی، تکروی، انزواطلبی و مانند اینها در قرآن و اسلام مفاهیمی مردود دانسته می‌شود. درحقیقت انجام عبادات به صورت جمعی سبب می‌شود افراد به حل مشکلات فردی و اجتماعی همدیگر همت گمارند و با توجه به اینکه یکی از منابع تغذیه برای تاب‌آوری دریافت حمایت‌های اجتماعی است، چنین حمایت‌هایی می‌تواند سبب افزایش تاب‌آوری در افراد شود؛ همچنین دریافت بازخوردهای مناسب و حمایت‌گرانه

از محیط، افزایش عزت نفس را در پی دارد. این امر خود منبع دیگری برای تغذیه تاب‌آوری به شمار می‌رود؛ بنابراین مذهب و معنویت با کارکردهای ویژه خود می‌توانند در ایجاد و افزایش تاب‌آوری مؤثر واقع شوند (دهقانی و اندیشمند، ۱۳۹۶).

از نتایج دیگر این پژوهش تأثیر فرزندپروری ادراک شده بر دینداری است. این نتیجه نشان‌دهنده نقش بسیار مهم والدین بر دینداری فرزندان در نوجوانی و بزرگسالی است. این یافته با نتایج تحقیقات پالکوینز و پالم (۱۹۹۸)، جاسبرگ (۱۹۹۵) و دادلی و ویبسی (۲۰۰۰) ارتباط دارد. دادلی و ویبسی (۲۰۰۰)، مهم‌ترین عامل برای انتقال آموزه‌ها و ارزش‌های دینی به فرزندان را حضور گرم و روابط حمایتی و مراقبتی والدین می‌دانند. زابالا (۱۹۹۴) نیز در بررسی رابطه سبک‌های والدینی و خودمختاری نوجوانان در فعالیت‌های علمی، مذهبی و تلویزیونی به این نتیجه دست یافت که شیوه‌های فرزندپروری کنترل‌کننده و اجتماع‌گرا با جهت‌گیری مذهبی درونی به طور معنا دار و مثبت ارتباط دارد. در پژوهشی دیگر، اریکسون (۱۹۷۵) این ارتباط را تأیید و بیان می‌کند والدین با تأثیرگذاری خود در نخستین مرحله رشد «من»، یعنی مرحله «ایجاد اعتماد در برابر بی‌اعتمادی» تأثیر مستقیم دارند. وی معتقد است «اعتماد» در کودکی پایه و اساس ایمان در بزرگسالی است. ایمان به عنوان یک نیاز حیاتی، انسان را به سوی پذیرش دین سوق می‌دهد؛ پس هرگونه ضعف در سبک رفتاری و تربیتی والدین نسبت به فرزندانشان موجب ایجاد حس بی‌اعتمادی می‌شود و از نظر اریکسون ایجاد اعتماد یا بی‌اعتمادی در کودکان تأثیر مستقیم بر شیوه دینداری و سبک جهت‌گیری مذهبی آنان در آینده دارد. همچنین می‌توان به پژوهش فدایی (۱۳۸۵) اشاره کرد که نشان داد بین سبک فرزندپروری سلطه‌گر و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده رابطه معنا دار مثبت وجود دارد، بین سبک فرزندپروری قدرت‌طلب و جهت‌گیری مذهبی درون‌سازی شده رابطه معنا دار مثبت وجود دارد و بین سبک فرزندپروری آزادگذار با هر یک از سبک‌های جهت‌گیری مذهبی رابطه معنا دار منفی وجود دارد؛ همچنین شریفی (۱۳۹۰) بین سبک فرزندپروری منطقی و جهت‌گیری مذهبی درون‌سازی شده رابطه مثبت و معنا داری یافته است. صادقی و مظاهری (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی دریافتند منابع شناخت دینی در سبک‌های تربیتی مختلف متفاوت است، به گونه‌ای که در سبک تربیتی مقتدر شناخت دینی بیشتر از طریق خانواده و در سبک تربیتی مسامحه‌کار و بی‌توجه، شناخت دینی بیشتر از راه مشاهده اماکن مذهبی است. نقش

والدین بر دینداری بسیار با اهمیت است. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «اگر وعده‌ای به کودکانتان دادید حتماً وفا کنید، زیرا آنها گمان می‌کنند که شما روزی رسان هستیید». این روایت بیانگر آن است که برداشت‌ها و تصورات کودکان از والدین‌شان در بزرگسالی بر نگرش آنها نسبت به خداوند تأثیرگذار است؛ به عبارت دیگر رفتار والدین با کودک، زمینه‌ساز چگونگی شکل‌گیری ارتباط معنوی و اعتقادی کودک با خداوند در آینده می‌باشد. جان بزرگی (۱۴۰۲) بیان می‌کند از آنجا که خداوند والدین را در دوران تحول به عنوان «رب انسان» اکرام می‌کند و پس از توحید مهم‌ترین وظیفه را احسان به آنها می‌داند، آنان باید بر اساس اصول فطری به تربیت کودک در خلال تحول توجه و برنامه‌ریزی کنند. شاید مهم‌ترین وظیفه والدین مراقبت از کودک به منظور پیشگیری از شکل‌گیری ساخت‌های شناختی-عاطفی است. روان‌بنه‌های اولیه منفی را که روان‌درمانگران شناختی-رفتاری جدید به آنها اشاره می‌کنند می‌توان از این دست دانست. هر عامل تربیتی را که زمینه تفرق و توحید نایافتگی روانی شود باید به عوامل تحولی نسبت داد. این آسیب‌ها ممکن است در سطح شخصیت کارکرد سازه‌های روانی - معنوی را دچار اختلال کند؛ برای مثال زمانی که کودکان نیازمند محدودیت‌های والدین برای خود مهارگری هستند فقدان آنها می‌تواند فرد را به پیروی از تمایلات خود عادت دهد، ابزارهای شناخت معنوی را مطابق منابع معنوی ناکارآمد کند و فرد را مستعد آسیب کند یا برعکس، اعمال محدودیت‌های بیش از حد ممکن است فرد را موجودی سخت‌گیر در مهار خود تبدیل کند و آسیب‌های معنوی دیگری را رقم زند.

منابع

۱. الهی، حسین. (۱۴۰۰). ساخت و هنجاریابی پرسشنامه مادر شایسته بر اساس منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی گرایش شخصیت. قم: جامعه المصطفی‌العالمیه.
۲. باباخانی، نرگس؛ حجازی موغانی، الهه؛ پاشا شریفی، حسن. (۱۳۹۵). «هنجاریابی مقیاس ادراک نوجوانان از شیوه‌های تربیتی والدین و مقایسه مؤلفه‌های آن در دختران و پسران شهر تهران». فصلنامه روان‌سنجی. سال پنجم، شماره ۲۰. صص: ۶۸۵۱-۶۸۵۱.
۳. پارگامنت، کنث‌آی. (۱۴۰۲). روان‌درمانگری یکپارچه معنوی. ترجمه علیرضا ظهیرالدین، مسعود جان‌بزرگی و رضا کریم‌زاده‌نعمیم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. جان‌بزرگی، مسعود. (۱۴۰۲). درمان چندبعدی معنوی یک رویکرد خداسو برای مشاوره و روان‌درمانگری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱. وَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا وَعَدْتُمْ الصَّبَاغَ فَأَوْفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ يَزُورُونَ أَنْكُمْ أَنْتُمْ الَّذِينَ تَرْتَفِقُونَ بِهِمْ (عدة الداعي، ج: ۸۴).
 ۲. وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِنَّمَا نَبَلَعُ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَانْحَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا (اسراء / آیه ۲۳ و ۲۴).

۵. جزایری، علیرضا؛ دهقانی، محمود. (۱۳۸۷). راهنمای تاب‌آوری. تهران: نشر دانژه.
۶. جنگی‌اقدم، خدیجه؛ سرداری، باقر. (۱۴۰۱). «بررسی تأثیر نگرش‌های مذهبی بر تاب‌آوری بیماران سرطانی». نشریه مراقبت سرطان. شماره ۲. صص: ۸۱.
۷. حتی‌گرمی، حسن؛ ناظمی، عالیه؛ کریم‌الهی، منصوره. (۱۳۹۵). «نقش عوامل شخصیتی و باورهای مذهبی در تاب‌آوری بیماران مبتلا به سرطان مری». سلامت و مراقبت. سال هجدهم. شماره ۲. صص: ۱۶۰-۱۵۰.
۸. دستیاری، اکرم؛ بنافی، مسعود. (۱۳۹۸). «بررسی وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و رابطه آن با تاب‌آوری». فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی. سال ششم. شماره ۴. صص: ۱۶۹-۱۴۵.
۹. دهقانی، فاطمه؛ اندیشمند، ویدا. (۱۳۹۶). «رابطه جهت‌گیری مذهبی و سلامت معنوی با تاب‌آوری در دانش‌آموزان مقطع دوم متوسطه شهر کرمان سال تحصیلی ۹۴-۹۵». مجله پژوهش در دین و سلامت. سال سوم. شماره ۴. صص: ۷۷-۶۶.
۱۰. ذوقی‌پایدار، محمدرضا؛ نبی‌زاده، صفدر؛ زنده‌بودی، راحیل. (۱۳۹۳). «رابطه میزان عمل به باورهای دینی با تاب‌آوری و خوش‌بینی در دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا». روان‌شناسی و دین. سال نهم. شماره ۹. صص: ۹۴-۸۵.
۱۱. رضایی‌فرح‌آبادی، محدثه. (۱۳۹۹). مطالعه عوامل تاب‌آوری و امید به زندگی بیماران مبتلا به سرطان با محوریت سبک زندگی اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره توان‌بخشی. تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۲. زاهدبايلان، عادل؛ رضایی‌جمالویی، حسن؛ حرفتی‌سبحانی، رعنا. (۱۳۹۱). «رابطه دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با معناداری در زندگی دانشجویی». مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی. سال سیزدهم. شماره ۳. صص: ۸۵-۷۵.
۱۳. سراقی، همایون؛ منیرپور، نادر؛ احمدی، محمدرضا؛ حسن‌آبادی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). «مادر از نگاه اسلام و روان‌شناسی و تعیین مؤلفه‌های نقش مادری براساس متون دینی». پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده. سال دوم. شماره ۴. صص: ۳۴-۱۳.
۱۴. سقایی‌بی‌ریا، محمدجواد. (۱۳۹۶). نقش ایمان به آخرت در تاب‌آوری روان‌شناختی از دیدگاه قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۵. شریفی، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ادراک دانش‌آموزان از سبک‌های فرزندپروری والدین با خودتنظیمی تحصیلی و جهت‌گیری مذهبی آنان در مدارس متوسطه ناحیه دو شهر کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۶. شولتز، دوان‌پی؛ شولتز، سیدنی‌الن. (۱۳۹۲). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۸. علیزاده، حمید. (۱۳۹۲). تاب‌آوری روان‌شناختی، بهزیستی روانی و اختلال‌های رفتاری. تهران: ارسباران.
۱۹. فدایی، مرگان. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ادراک فرزندان از سبک فرزندپروری و جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان دانشجویان دختر دانشگاه علامه طباطبایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۰. کازرونی‌زند، بهناز؛ سپهری‌شاملو، زهره؛ میرزائیان، بهرام. (۱۳۹۲). «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تاب‌آوری کودک و نوجوان ۲۸- در جمعیت ایرانی: روایی و پایایی». فصلنامه نسیم تندرستی. دوره دوم. شماره ۳. صص: ۲۱-۱۵.
۲۱. محمدی‌ری‌شهری، محمد. (۱۳۶۷). میزان الحکمه. قم: نشر مکتب الإعلام الإسلامي.
۲۲. محمدی‌نسب، حمیده؛ مظاهری‌تهرانی، محمدعلی؛ رضایی‌زاده، مرتضی؛ حیدری، محمود. (۱۴۰۰). «نیازهای نوجوان در رابطه والد‌فرزند، یک مطالعه کیفی». مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی. دوره هجدهم. شماره ۴۲. صص: ۸۰-۶۳.
۲۳. موزیری، عباس؛ شفیق‌آبادی، عبدالله؛ اسماعیلی، معصومه؛ یونسی، جلیل. (۱۳۹۹). «مدل‌یابی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری خانواده ایرانی». مجله علوم روان‌شناختی. دوره نوزدهم. شماره ۹۵. صص: ۱۴۰-۱۳۰.
۲۴. مهدی‌زاده، حمید؛ تقیان، حسن؛ آذربایجانی، مسعود. (۱۳۹۸). «اعتباریابی و رواسازی آزمون جهت‌گیری مذهبی در دانش‌آموزان دبیرستانی». روان‌شناسی و دین. سال سیزدهم. شماره ۲. صص: ۷۴-۶۱.
25. Benzies, K. & Mychasiuk, R. (2009). Fostering Family Resiliency: A Review of Key Protective Factors. Child and Family Social work, 14,103-114.
26. Denovan, A. & Macaskill Stress (2016). resilience and leisure coping among university students: applying the broaden-and-build theory. Leisure Stud; 36(6):852-65.
27. Erikson, Erik. (1975). Life History and the Historical Moment. New York: W.w.norton.

28. Garbowski (2010). Transformational leadership and the dispositional effects of hope, optimism and resilience on governmental leaders, Regent university united states–Virginia, proquest, 123 pages: AAT 34257370.
29. Garmezy, N. (1991). Resiliency and vulnerability to adverse developmental outcomes associated with poverty. *American Behavioral Scientist*, 34, 416–430.
30. Greeff, A. P. & DuToit, C. (2009). Resilience in Remarried Families. *The American Journal of Family Therapy*, 37, 114–126.
31. Hansson, K J. (2008). Individual Resilience Factors from a Genetic Perspective: Results from a Twin study. *Family process*.
32. Masten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. *American Psychologist*, (56)3, 227–238.
33. Openshaw, K. P. (2011). The Relationship between Family Functioning, Family Resilience and Quality of Life Among Vocational Rehabilitation Clients. PhD Dissertation, Utah State University.

